

## مناسبات اجتماعی شیعیان عصر حضور در تعامل با امامان معصوم علیهم‌السلام

حامد منتظری مقدم / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله  
سیدآیت‌الله احمدی / دانشجوی دکتری تاریخ تمدن دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

### چکیده

شناخت و ارزیابی رفتارها و مناسبات شیعیان در تعامل با امامان معصوم علیهم‌السلام، رهیافتی مهم و ضروری برای شناخت دقیق اعتقادات ایشان و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام است. این مهم در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیازمند دقت و بررسی بیشتر است.

در پژوهش حاضر، باورها و مناسبات اجتماعی شیعیان و روابط ایشان با امامان معصوم دوازده‌گانه علیهم‌السلام در دوران حضور، بررسی شده، گونه‌های روابط اجتماعی شیعیان با ائمه اطهار علیهم‌السلام شناسایی و معرفی شده و این پرسش پاسخ داده شده که شیعیان چگونه از جایگاه رفیع معنوی و اجتماعی ائمه اطهار علیهم‌السلام بهره می‌بردند، و آیا روابط شیعیان با امامان معصوم متناسب با جایگاه ایشان بوده است؟ نتیجه این است که شیعیان از طریق ارتباط با امامان خود علیهم‌السلام در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، از رهنمود، مشورت و نصایح ایشان در زندگی مادی و معنوی خویش بهره می‌بردند.

رفتار اجتماعی شیعیان نسبت به ائمه معصوم علیهم‌السلام، مبتنی بر میزان باورمندی و نگرش دینی آن‌ها نسبت به جایگاه اجتماعی ائمه علیهم‌السلام بوده است. این رفتارها نسبت به امامان علیهم‌السلام از یک سیر تکاملی منبعث از باور به علو مقام و منزلت ائمه اطهار علیهم‌السلام برخوردار بوده و تابع میزان معرفت ایشان نسبت به امامان علیهم‌السلام و غالباً بر پایه تکریم، محبت و اطاعت‌پذیری بوده است. از پیامدهای مهم این پژوهش، گونه‌شناسی، تحلیل، نقد و آسیب‌شناسی رفتارهای شیعیان در عصر حضور ائمه اطهار علیهم‌السلام در حوزه رفتارهای اجتماعی است.

**کلیدواژه‌ها:** شیعیان، امامان معصوم، مناسبات اجتماعی، روابط معنوی.

### مقدمه: جایگاه اجتماعی امامان معصوم علیهم‌السلام نزد شیعیان

با توجه به اجتماعی و مدنی‌الطبع بودن انسان، وجود الگو و پیشوایی که از سوی پروردگار متعال تأیید شده باشد، برای ایجاد نظم و ترقی افراد جامعه و اجتماع بشری، از نظر عقل، ضرورت دارد. بر همین اساس، می‌گویند: در هر عصر و زمان، باید امام و پیشوایی در میان مردم، از سوی خدا باشد. (مفید ب، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۳۷ / کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۴۵) شیعیان، امامان معصوم علیهم‌السلام را مقتدا و الگو در زندگی فردی و اجتماعی خویش قرار می‌دهند و به امام، به مثابه مرجع امور و فصل‌الخطاب در مشکلات اجتماعی خویش می‌نگرند. ایشان امام را محرم اسرار خویش، معتمد برای مشورت و طلب استمداد در امور مهم و معضلات اجتماعی خویش و مرحم زخم‌ها و مرارت‌هایی که از جانب مخالفان و حاکمان جور متحمل می‌شدند، و امید دل‌های مضطرب خود در سختی‌ها و ناملایمت سیاسی و اجتماعی می‌دانسته‌اند و از ستم‌هایی که بر آن‌ها می‌رفته نزد امامان معصوم گلایه و شکوه می‌کرده‌اند. امام جایگاه پدری (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۵۷) آگاه و دلسوز نسبت به خانواده‌ی رو به گسترش شیعه داشته است. در یک کلام، از دیدگاه شیعیان، امام حلال و گره‌گشای مشکلات ایشان بوده است.

مردی که از فحوای سخنش برمی‌آید یک شیعه اعتقادی باشد، پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام گریه‌کنان به توصیف آن حضرت می‌پردازد. بخشی از سخنانش خطاب به جنازه مطهر امام علیه‌السلام که بیانگر بینش یک شیعه نسبت به جایگاه اجتماعی امام است، چنین است:

به خدا قسم! تو، سرور بزرگ دینی در آغاز و انجام؛ در آغاز که مردم متفرق شدند و در انجام که سست شدند. وقتی مؤمنان در سرپرستی تو درآمدند برای آن‌ها پدری مهربان بودی و باری را به دوش کشیدی که آن‌ها از حمل آن ناتوان بودند، و حفظ کردی آنچه را از دست دادند، و رعایت کردی آنچه را رها کردند، و دامن به کمر زدی و اقدام کردی وقتی گرد تو جمع شدند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۵۴)

شیعیان معتقد بودند: امام انسان کامل، و آگاه به مصالح و مفاسد امور است. بدین‌روی، امام را هدایتگر و مؤثر در اجتماع دانسته و زندگی فردی و اجتماعی وی را بی‌نظیر، فرمان‌وی را مطاع، و سیره و روش ایشان را قابل پی‌روی و الگوبرداری می‌دانسته‌اند. در نوشته حاضر، گونه‌های متعدد رفتارهای اجتماعی شیعیان در تعامل با ائمه معصوم علیهم السلام معرفی و کیفیت برخورد ایشان در هر حوزه بررسی می‌گردد.

### گونه‌شناسی مناسبات اجتماعی شیعیان با ائمه اطهار علیهم السلام

شیعیان در دوره حضور ائمه اطهار علیهم السلام با اهداف و انگیزه‌های گوناگون و بیشتر از روی علاقه و ارادت، با پیشوایان خویش در ارتباط بودند و از وجود ایشان بهره می‌بردند. هرچند شرایط نامساعد سیاسی امکان ارتباط گسترده و آسان شیعیان را با امامان علیهم السلام سلب کرده بود، اما با این حال، شیعیان در هر جا مشتاق زیارت و دیدار امامان معصوم خویش بودند، و علی‌رغم مشکلات فراوان، از جمله سختی‌های سفر و خفقان حاکم، از راه‌های دور خدمت امامان خویش می‌رسیدند و از وجود ایشان بهره می‌بردند. ابوالاسود عمر بن محمد کوفی هر سال یک بار از کوفه برای دیدار امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام به مدینه می‌رفت. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۳) مهم‌ترین انواع ارتباط اجتماعی شیعیان با امامان معصوم علیهم السلام بر اساس انگیزه‌ها و اهدافشان، عبارت است از:

#### ۱. مناسبات و روابط معنوی

با توجه به آموزه‌های دینی و مبانی عقلانی، مراجعه و استمداد از کسانی که هدایت یافته و دارای دانش و مقام روحانی والایی هستند - که ریشه آن قرب به خداوند و تلاش مشروع است - پذیرفته و مورد تأکید شیعیان است. شیعیان بر پایه نگرشی که نسبت به مقام معنوی ائمه علیهم السلام مبنی بر اعتقاد به اتصال ائمه علیهم السلام به عالم ماورا و واسطه فیض دانستن اهلبیت علیهم السلام و جاهت ایشان نزد پروردگار داشتند، در ارتباط خود با امامان علیهم السلام، همواره به دنبال بهره‌گرفتن معنوی از این ذوات نورانی، برای دنیا و آخرت خویش بوده‌اند.

پیوند معنوی از مهم‌ترین وجوه ارتباطی شیعیان با امامان علیهم‌السلام است. رابطه بین امام و ماموم، پیرو و پیشوا، خود بر معنوی بودن آن دلالت می‌کند. شیعیان با توجه به باوری که نسبت به مقام الهی و جلوه‌خدایی ائمه معصوم علیهم‌السلام داشتند و ایشان را از یک سو، واسطه فیض خداوند بر بندگانش، و از سوی دیگر، راهنمایان الهی در مسیر زندگی می‌دانستند، به محضر ائمه علیهم‌السلام می‌رسیدند تا از معنویت، برکات و جودی و دعای خیر ایشان بهره‌مند شوند و از پیوند خویش با امامان علیهم‌السلام کسب معنویت کنند. آثار پیوند و همنشینی با ائمه علیهم‌السلام از زبان حمران بن اعین اینچنین بیان می‌شود. وی به امام باقر علیه‌السلام عرض کرد: خدا عمر شما را پاینده دارد و ما را به وجود شما بهره‌مند سازد. من به شما گزارش می‌دهم که ما خدمت شما می‌رسیم و از نزد شما بیرون نمی‌رویم، مگر اینکه دل ما نرم می‌شود و نفوسمان از این دنیا تسلی و آرامش می‌یابد و بر ما خوار و آسان شود آنچه که از مال و دارائی در دست مردم است سپس از نزد شما که بیرون می‌رویم پیش مردم و تجار، دنیا دوست می‌شویم. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۲۳)

گونه‌های زیر از نوع پیوند معنوی شیعیان با امامان علیهم‌السلام محسوب می‌شود:

#### الف. توسل جستن

قرآن کریم انسان را در جهت کسب کمالات معنوی و قرب به درگاه الهی، امر به توسل به اسباب تقرب کرده است: «ای مؤمنان، پروای الهی داشته باشید و به سوی او، وسیله تحصیل کنید.» (مائده: ۵) این آیه و برخی آیات دیگر از ادله شیعه بر جواز توسل است. در روایات نیز بر لزوم توسل به اولیای الهی هنگام دعا، تأکید شده است؛ چنان‌که در روایت نبوی مستند نزد شیعه و اهل سنت آمده است: «هر دعایی محبوب است تا اینکه بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام درود فرستاده شود.» (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۱۵۵ / متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۵)

سیره عملی مسلمانان و اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز جواز توسل به شخصیت‌های معنوی و آبرومند نزد خدا، از زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تأیید می‌کند. آن حضرت، خود مردم را به

این مسئله راهنمایی می‌کردند. احمد بن حنبل در مسند خود، داستانی از توسل مرد نابینا به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده است که حضرت در پایان به او فرمودند اینچنین دعا کن: «اللهم إني أسئلك و أتوجه إليك بنبيك محمد نبي الرحمة. يا محمد إني توجّهت بك إلی ربّي في حاجتي هذه، فتقض لي. اللهم شفّعه في» (احمد بن حنبل، بی‌تا، ص ۱۳۸)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حق امامان معصوم علیهم‌السلام فرمودند: ائمه از نسل حسین علیه‌السلام هستند. هرکس از آنها پی‌روی کند از خدا اطاعت کرده، و هرکس از آنها نافرمانی کند خدا را نافرمانی کرده است، آنها ریسمان محکم و وسیله‌ای به سوی خداوند - عزوجل - هستند. (صدوق، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۵۸) شیعیان برای رسیدن به حاجات مادی و معنوی خویش و در زمان گرفتاری‌ها و سختی‌ها پس از توجه به خدا، دست توسل به سوی ائمه علیهم‌السلام، به عنوان واسطه فیض الهی، دراز می‌کردند و از وجاهت و حرمت آنان نزد خدای تعالی در رفع گرفتاری‌ها و برآورده شدن حاجات، کمک می‌طلبیدند تا با وساطت آن بزرگواران، به اخذ فیض از مبدأ هستی نایل شوند و از این طریق مشکلاتشان حل و حاجاتشان برآورده گردد. ائمه علیهم‌السلام نیز در پاسخ به درخواست شیعیان مبنی بر طلب دعا در گرفتاری‌ها، علاوه بر دعا در حق ایشان، دعاهایی نیز به ایشان آموخته و آنها را به وساطت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیتش علیهم‌السلام در دعاها توجه داده‌اند. پدر محمد جعفری، که بسیاری از اوقات از درد چشم ناراحت بود، روزی از این درد به امام صادق علیه‌السلام شکایت برد. حضرت به او فرمودند: آیا دعایی به تو نیاموزم که برای دنیا و آخرت سودمند باشد و از درد چشم نیز آسوده‌گردد؟ گفت: آری. فرمود: پس از نماز صبح و پس از مغرب، بگو: پروردگارا، به حق محمد و آلش بر تو، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آلش درود فرستی و در چشمم نور قرار دهی... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۴۹)

اینکه شیعیان فقط نزد ائمه علیهم‌السلام از بیماری‌ها و مشکلات خویش شکایت و درخواست کمک می‌کردند، نشان از اعتقاد ایشان به آبرومندی امامان معصوم نزد پروردگار و توانایی آنان و امید به برآورده شدن خواسته‌هایشان از این طریق دارد. جابر بن حیان به

امام صادق علیه السلام نامه‌ای نوشت و از آن حضرت خواست برای شفا از بیماری که بدان دچار شده بود، دعا کند. امام برای او دعا کردند و به او دستورالعملی دادند. جابر بدان عمل کرد و سلامتی خود را بازیافت. (ابنا بسطام، ۱۴۱۱ق، ص ۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۹، ص ۱۸۶) معمر بن خلّاد از امام رضا علیه السلام خواست برای شفا، دستی بر سر فرزندش که لکنت زبان داشت، بکشد و حضرت او را نزد امام جواد علیه السلام رهنمون ساخت. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۲۱)

### ب. شفاعت طلبی

امامیه اتفاق نظر دارند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در روز رستاخیز، مرتکبان گناه کبیره را شفاعت می‌کنند. بر اثر شفاعت آنان، گروه زیادی از شیعیان خطاکار نجات پیدا می‌کنند. (مفید، د، ۱۴۱۳ق، ص ۷۹ و ۸۰)

روایات فراوانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام و حتی شیعیان ایشان را در جایگاه شفیع و واسطه آمرزش گناهان قرار داده است. (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۲۹-۶۱) شفاعت اولیای خدا، منوط به اذن پروردگار جهان است و بدون اذن خدا، هیچ‌کس نمی‌تواند شفاعت کند. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند: خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله شفاعت در امتش را عطا فرمود و به ما شفاعت درباره شیعیانمان را عطا کرد و شیعیان ما می‌توانند درباره خویشاوندان خود شفاعت کنند ... حسین بن سعید، ۱۴۰۲ق، ص ۹۹ / مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۵) ابن ابی عمیر از امام کاظم علیه السلام سؤال کرد: شفاعت شامل حال کدام دسته از گناهکاران می‌شود؟ (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۴۰۷) امام در پاسخ شیعیان را ذکر کردند که - دست کم - به برخوردارانی ائمه اطهار علیهم السلام از مقام شفاعت دلالت دارد. در ادعیه و زیاراتی که ائمه علیهم السلام به شیعیان می‌آموختند، آن‌ها را به جایگاه شفاعت و ارتباط آن با تمسک و پیروی از اهلبیت علیهم السلام توجه می‌دادند. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در دعای روز مباحله، که به محمد بن صدقه غنبری آموختند، چنین فرمودند: پروردگارا ما به عترت پیامبرت علیه السلام تمسک می‌جوئیم. پس شفاعت ایشان را روزی ما

فرما. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۶۷) در زیارت «جامعه کبیره» که در پاسخ به درخواست موسی بن عمران نخعی از امام هادی علیه‌السلام مبنی بر تعلیم یک زیارت‌نامه بلیغ و کامل برای زیارت امامان علیهم‌السلام، صادر شده است (صدوق، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۷۲)، زائر دست‌کم چهار بار از ائمه اطهار علیهم‌السلام طلب شفاعت می‌کند. معنای دو فراز آن چنین است: «خداوند مرا به پیروی از شما توفیق دهد و شفاعتتان را روزی‌ام سازد.» و «بخشودگی گناهان مرا از خدا بخواهید و شفیع من باشید.»

شیعیان به تأثیر محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام در حیات اخروی خویش اعتقاد داشته‌اند و به سبب دوستی و محبت ائمه علیهم‌السلام به نجات از عذاب و رستگاری در آخرت امید داشتند. ابوبصیر با حالت گریه و تضرع و بیان سالمندی و نایبایی خویش، از امام صادق علیه‌السلام درخواست می‌کند - به سبب محبت به اهل‌بیت علیهم‌السلام - بهشت را برای او ضمانت کنند. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۱۹۹)

زیاد بن اسود در منا، خدمت امام باقر علیه‌السلام مشرف شد. امام به او نگریستند و مشاهده کردند که پایش مجروح شده است از وضع رقت‌بار او متأثر گردیدند و فرمودند: چرا پاهایت این‌طور شده است؟ عرض‌کرد: شتر جوان و لاغری داشتم و به خاطر آن، بیشتر راه را پیاده آمدم. حضرت متأثر شدند زیاد عرض‌کرد: من گاهی به گناهان آلوده می‌شوم، تا بدانجا که گمان می‌کنم به هلاکت و نابودی افتاده‌ام. در آن حال، به یاد دوستی شما می‌افتم و همان امید نجاتی برای من می‌آورد و اندوهم را برطرف می‌کند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۷۹)

شاعران شیعی نیز در اشعار خود، به تبیین مقام شفاعت ائمه علیهم‌السلام می‌پرداختند. سفیان ابن مصعب عبدی از یاران امام صادق علیه‌السلام در قصیده‌ای شیوا، مقام شفاعت‌گری ائمه علیهم‌السلام و جایگاه ایشان را در آخرت ترسیم نموده است. (جوهری، بی‌تا، ص ۴۹ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۳، ص ۲۳۴)

عبدالله بن ایوب خریّتی پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام خطاب به امام جواد علیه‌السلام شعری سرود. برگردان دو بیت از آن، که شفاعت امام علیه‌السلام را در قیامت طلب کرده، چنین است: من

در روز قیامت، به شما پناه می‌برم و نزد شما راه نجاتی می‌یابم. فردای قیامت کسی به شفاعت شما از من پیشی نگیرد؛ زیرا کسی در محبت شما بر من پیشی نگرفته است. (جوهری، بی‌تا، ص ۵۰ و ۵۱)

### ج. کمال یابی

پیروان اهل بیت علیهم‌السلام برای خودسازی و دستیابی به کمالات معنوی، خدمت ائمه علیهم‌السلام به عنوان دلیل راه و مرشد خویش شرفیاب می‌شدند و درخواست نصیحت، و ارائه طریق می‌کردند. این نمونه‌ها از پیوند معنوی شیعیان با امامان معصوم علیهم‌السلام حکایت می‌کند.

نوف بکالی بر امام علی علیه‌السلام وارد شد و درخواست موعظه کرد که حضرت ابتدا به بیان یک جمله کوتاه اکتفا کردند؛ اما با تکرار درخواست نوف، حضرت بر موعظ خویش افزودند. (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۰۹)

جناده بن امیه از امام حسن علیه‌السلام در زمانی که در بستر شهادت افتاده بود، درخواست موعظه کرد و حضرت او را به مهیا ساختن خویش برای سفر آخرت و کسب توشه برای سرای جاویدان توصیه کردند. (خزّاز قمی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۲۶) ابان بن عثمان نقل می‌کند که مردی نزد امام صادق علیه‌السلام آمد و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد! مرا موعظه کن. و حضرت مطالب ارزشمندی برای وی بیان کردند. (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۷۶/ ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۰) همچنین به دنبال تقاضای کثیر بن علقمه، امام صادق علیه‌السلام موعظ زیبایی برای کثیر و همه ره‌پویان اهل بیت علیهم‌السلام بیان می‌کردند. (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۹۳ / حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۸)

عنبسه بن مصعب می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام خواهش کردم که مرا موعظه کنند، حضرت فرمودند: زاد و راحله‌ات را آماده کن، و خودت نصیحت‌کننده خود باش، و دیگری را امر نکن که چیزی را برای اصلاح تو بفرستد. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۲۳۷)

روایات زیادی که شیعیان با عبارات «اوصنی»، «عظنی» و موارد مشابه از امام درخواست موعظه می‌کردند، بیانگر این نوع پیوند بین ایشان با ائمه اطهار علیهم‌السلام است.



همچنین ادعیه و مناجات‌های زیادی مانند دعای «کمیل» و «ابوحمزه»، که ائمه علیهم‌السلام به دنبال پاسخ به معنویت خواهی و کمال‌طلبی شیعیان به ایشان آموخته‌اند، می‌تواند از این قبیل باشد.

این‌ها نمونه‌های اندکی از مصادیق فراوان از پیوند معنوی شیعیان با ائمه اطهار علیهم‌السلام است که بر توجه و باور شیعیان نسبت به مقام معنوی امامان معصوم علیهم‌السلام و امید به برآورده شدن حاجت‌هایشان از طریق ایشان دلالت می‌کند.

## ۲. مناسبات و روابط عاطفی

عنصر عاطفه در روابط اجتماعی، از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای تلطیف و استحکام پیوند بین افرادی است که وجه مشترکی - مانند نسب، سبب، دوستی، یا مذهب - آن‌ها را با هم مرتبط ساخته است. دین اسلام و پیشوایان دینی بر بهره‌گرفتن از این عنصر در ارتباط با دوستان و نزدیکان تأکید ورزیده‌اند. شیعیان به پشتوانهٔ احادیثی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دربارهٔ ارزش دوستی اهل‌بیت علیهم‌السلام و جایگاه دوستان ایشان بیان کرده‌اند، با پیشوایان خود رفت و آمد عاطفی خاصی داشته‌اند، همچون فرزند که به دیدار پدرش می‌رود، از روی شوق و محبت خدمت امام رسیده و از دیدار ایشان بهره می‌گرفته‌اند.

عمرو بن حنظل به امام علی علیه‌السلام گفت: «من برای پنج خصلت به شما ارادت می‌ورزم و شما را دوست دارم...» (منقری، ۱۳۸۲، ق، ص ۱۰۳)

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «یک روز هنگامی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مسجد نشسته بودند و اصحاب حضرت پیرامون ایشان گرد آمده بودند، مردی از شیعیان نزد حضرت آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین، خداوند می‌داند که من به خاطر تقرب به او شما را در نهان دوست می‌دارم؛ همان‌گونه که در آشکارا به شما دل بسته‌ام. من همواره در نهان و آشکارا، به ولایت شما دل بسته‌ام و به این دوستی، خود را به خداوند نزدیک می‌کنم.» (مفید، الف،

شیعیان به ائمه علیهم‌السلام در هنگام عیادت بیماران یا تعزیت عزاداران می‌گفتند: به اندوه شما اندوهگین و به شادی شما خوش‌حالیم (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۸) آنان گاه با دیدن گریه امام می‌گریستند. (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۲۲۷)<sup>۱</sup> این‌ها همه از شدت پیوند عاطفی شیعیان با امامان معصوم خویش حکایت دارد. اوج پیوند عاطفی یک شیعه با امامش و امید به این رابطه عاطفی را می‌توان در گزارش ذیل - که با تلخیص و تصرف همراه است - یافت. این نمونه‌ای از سخنان و رفتار یک فرد شیعی است که از پیوند عاطفی و درونی او با امام و مقتدای خویش حکایت دارد:

روزی گروهی در محضر امام باقر علیه‌السلام نشسته بودند. ناگاه پیرمردی که تکیه بر عصای بلندی کرده بود، وارد شد. نزدیک در ایستاد و پس از سلام، گفت: ای فرزند رسول خدا، مرا نزدیک خود بنشان که به خدا سوگند، من شما را دوست دارم و دوستدار شما را نیز دوست دارم، و به خدا سوگند، دوستی من با شما و دوست داشتن دوستدارانتان به خاطر طمع دنیایی نیست، و به خدا سوگند! من دشمن دارم دشمن شما را و از او بیزارم، و به خدا قسم! این دشمن داشتن و بیزاری‌ام از دشمن شما به خاطر خونی نیست که میان من و او برقرار باشد. به خدا سوگند! من حلال شما را حلال دانم و حرامتان را حرام شمارم و چشم به فرمان شما دارم. قربانت گردم! آیا - با این وصف - درباره من امید (سعادت و نجات) داری؟ امام باقر علیه‌السلام پس از دلجویی، وی را به بالاترین درجات بهشت، بشارت دادند. پیرمرد سر بلند کرد و به حضرت عرض کرد: قربانت گردم! دستتان را به من بدهید، حضرت دست خود را به پیرمرد دادند، و او دست حضرت را بوسید و بر دیده و صورت خود گذارد سپس شکم و سینه خود را گشود و دست بر شکم و سینه خود گذارده، برخاست، و خداحافظی کرد و به راه افتاد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۷۶)

مهم‌ترین مصادیق پیوند عاطفی شیعیان با امامان معصوم علیهم‌السلام را می‌توان در مظاهر ذیل جست‌وجو کرد:

۱. گزارشی دیگر نزدیک به این مضمون درباره امام باقر علیه‌السلام نقل شده است. (صفار قمی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۴۰ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۱۹۵)

### الف. هدیه دادن به امامان معصوم علیهم السلام

سنت پسندیده هدیه دادن، که در اسلام به آن سفارش شده و از نشانه‌های دین و اسباب دوستی شمرده شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۴۱-۱۴۴)، بین شیعیان و امامان علیهم السلام برقرار بوده است و همانگونه که ائمه علیهم السلام به شیعیان هدیه و صلّه عطا می‌کرده‌اند، شیعیان نیز با دادن هدیه، علاقه و محبت خویش را به امامان معصوم علیهم السلام اثبات می‌نموده‌اند. شیعیان از آنچه داشتند و می‌پسندیدند به ائمه علیهم السلام هدایایی تقدیم می‌داشتند یا خدمت خود به ایشان را از طریق حرفه‌ای که داشتند، به امامان معصوم علیهم السلام هدیه می‌کردند:

بشیر نبال می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی اذن گرفت و وارد شد. امام به او فرمودند: چه لباس‌های زیبا و خوبی داری! گفت: جانم به فدایت این لباس شهر ماست. سپس عرض کرد: آقا هدیه‌ای برای شما آورده‌ام، و غلامش بسته‌هایی را که در آن لباس بود، خدمت امام علیه السلام گذاشت. (طبری، بی‌تا، ص ۱۴۰ / راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۴۵)

همچنین کشتی در کتاب خود آورده است که موسی بن طلحه از مردی کوفی نقل کرد: عمران بن عبدالله قمی چند خیمه که پرده داشتند، در منا برای امام صادق علیه السلام بر پا کرد، و هنگامی که حضرت خواست مبلغ آن را بپردازد، عمران عرض کرد: آقا، کرباس‌های آن را خودم بافته‌ام و با دست خود این‌ها را درست کرده‌ام. دوست دارم از من به عنوان هدیه بپذیرید... (کشی، ۱۳۴۸، ص ۳۳۱ / مفیدالف، ۱۴۱۳، ص ۶۸)

ابوعبدالله سمان، طعامی به عنوان هدیه برای امام ششم علیه السلام برد و همراه حضرت، آن را میل کردند. چون امام فارغ شدند، گفتند: الحمدلله، طعامت را نیکان خوردند و فرشتگان خوب بر تو درود فرستادند. (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۳۹ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲، ص ۴۵۴)

### ب. نام‌گذاری فرزندان به نام ائمه علیهم السلام

یکی دیگر از نشانه‌های محبت و برقراری پیوند عاطفی شیعیان با امامان معصوم، نامیدن فرزندان به اسامی مبارک ائمه اطهار علیهم السلام از باب تبرک و تفاعل برای خوش یمن و مبارک

گردانیدن فرزند است. شیعیان دوره حضور از این طریق، نسبت به پیشوایان خویش ابراز ارادت می‌کردند. عبدالله بن ربیع گوید: به امام صادق علیه السلام گفته شد: ما فرزندانمان را به اسامی شما و پدرانمان نام‌گذاری می‌کنیم. آیا این کار به ما سودی می‌رساند؛ امام فرمودند: آری، به خدا سوگند، سود می‌رساند آیا دین چیزی غیر از محبت است؟ (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۶۷)

هارون بن مسلم می‌گوید: برای پسر، احمد، پسری متولد شد. به امام حسن عسکری علیه السلام نامه‌ای نوشتم و درخواست کردم برایش نام و کنیه‌ای انتخاب کنند، و دوست داشتم که او را جعفر و کنیه‌اش را ابوعبدالله قرار دهم (نام و کنیه امام صادق علیه السلام). پاسخ نامه از جانب امام به دستم رسید که فرموده بودند: نامش را جعفر و کنیه‌اش را ابوعبدالله قرار بده. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۱۶)

### ج. عیادت امامان معصوم علیهم السلام

یکی از آداب اسلامی، که نشانهٔ مهربانی و عاطفه است، عیادت از بیماران است که در مذهب تشیع، حتی بر عیادت از مخالفان نیز تأکید شده است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۱۹) شیعیان از دردمندی و ناراحتی امامشان احساس تألم و ناراحتی داشتند و زمانی که امام به بیماری مبتلی می‌شدند، دوست‌داران ایشان به عیادت می‌شتافتند و بدین‌سان ابراز همدردی می‌نمودند و برای سلامتی ایشان دعا می‌کردند.

اشجع سلمی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید، دید ایشان بیمار هستند. نشست و از حال امام و ناراحتی ایشان سؤال کرد و دو بیت شعر خواند که برگردان آن چنین است: «خداوند به شما از این بیماری در خواب و بیداری لباس عافیت ببوشاند و همان‌گونه که ذلت را از گردن شما بیرون برده است، دردها را از پیکرتان بیرون کند.» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸۱ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۷۴)

علی بن عبیدالله علوی، که مدتی در آرزوی دیدار با امام رضا علیه السلام بود، زمانی که آن حضرت در بستر بیماری افتاده بودند، به عیادت حضرت آمد و احترام و تکریم فراوان شد

و از لطف فراوان امام خیلی خوش حال گردید. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۵۹۳ / مفید الف، ص ۸۹) همچنین ابودعامه در بیماری امام هادی علیه‌السلام، که به شهادت ایشان منجر شد، به عیادت آن حضرت آمد و امام در حق شناسی ابودعامه و قدردانی از او حدیثی را از پدرانشان از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او هدیه کردند. (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۸۵)

#### د. تعزیت در مرگ نزدیکان

هرگاه یکی از نزدیکان امام از دنیا می‌رفت، شیعیان نیز متألم می‌شدند و برای تسلیت نزد امام می‌آمدند. اسحاق بن عمّار می‌گوید: همراه گروهی برای تسلیت درگذشت امام باقر علیه‌السلام نزد فرزندشان امام صادق علیه‌السلام بودیم. (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۶۸) یعقوب احمر با عده‌ای از شیعیان بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدند و آن حضرت را در مرگ فرزندشان اسماعیل تعزیت و تسلیت گفتند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۵۴) محمد بن یحیی بن درباب پس از درگذشت ابوجعفر محمد بن علی - فرزند بزرگ امام هادی علیه‌السلام - خدمت رسید و رحلت وی را به آن حضرت تسلیت گفت. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۲۷ / مفید ب، ج ۲، ص ۳۱۸)

این فرهنگ اسلامی شیعی بر پایه سیره و روایات معصومان علیهم‌السلام بوده است؛ چنانکه امام صادق علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند: هرکس صاحب مصیبتی را تعزیت گوید پاداشی همچون صاحب مصیبت خواهد داشت، بدون اینکه از پاداش مصیبت دیده چیزی کاسته شود. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۰۵)

#### ه. عزاداری در شهادت ائمه علیهم‌السلام

همچنین هنگامی که امامی به شهادت می‌رسید، شیعیان در مصیبتش به عزا نشستند، مجلس ماتم بر پا می‌کردند و برای تعزیت خدمت خانواده و جانشین آن امام می‌رسیدند و خود را شریک در مصیبت می‌دانستند. عزاداری و گریه در مصیبت امام حسین علیه‌السلام و اهل بیت ایشان، با گذشت سالیان دراز و رفتن به زیارت قبر مطهر آن حضرت، با وجود اختناق حاکم، و ترغیب ائمه علیهم‌السلام به برپایی مجالس در سوگ سیدالشهداء علیه‌السلام، از نمونه‌های تلاش

برای حفظ پیوند عاطفی شیعیان با اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده است؛ پیوندی که هرگز به سردی نگراییده و باگذشت تاریخ فراموش نشده است.

وقتی ابوهارون مکفوف به درخواست امام صادق علیه‌السلام اشعاری در رثای امام حسین علیه‌السلام می‌خواند، امام اشک می‌ریختند و می‌فرمودند: همانگونه که نزد خودتان مرثیه می‌خوانید و آن‌چنان که نزد قبر آن حضرت - روضه - می‌خوانید بخوان. ابوهارون مکشوف‌تر روضه خواند و امام و اهل‌خانه به شدت گریه می‌کردند. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۰۴ و ۱۰۵) عبارات «کَمَا تُنْشِدُونَ» (همانگونه که شعر می‌سرایید) و «کَمَا تَرْتِیهِ عِنْدَ قَبْرِهِ» (همانگونه که نزد قبرش - امام حسین علیه‌السلام - مرثیه می‌خوانید) در سخنان امام صادق علیه‌السلام بر روضه‌خوانی و برگزاری مجلس عزاداری در بین شیعیان دلالت می‌کند.

وقتی امام صادق علیه‌السلام به شهادت رسیدند، ابوبصیر نزد ام‌حمیده آمد و شهادت امام صادق علیه‌السلام را به وی تسلیت گفت و در مصیبت شهادت آن امام همام گریست. (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۸۴) پس از شهادت امام رضا علیه‌السلام گروهی از شیعیان بغداد در خانه عبدالرحمان بن حجّاج برای عزاداری و گفت‌وگو درباره‌ی جانشین امام اجتماع کردند. (طبری، بی‌تا، ص ۳۸۸ / مسعودی ۱۴۲۳ق، ص ۲۲۰)

### ۳. مناسبات و روابط مالی<sup>۱</sup>

پرداخت وجوهات مالی، نذورات و هدایا به ائمه علیهم‌السلام از مصادیق رابطه‌ی اجتماعی شیعیان با امامان معصوم علیهم‌السلام محسوب می‌شود، که نوعی عبادت و آزمایش الهی نیز به شمار می‌آید. فعالیت سازمان وکالت و حضور وکلای ائمه علیهم‌السلام در نقاط گوناگون قلمرو اسلامی، که یکی از وظایف مهم‌شان، دریافت وجوهات مالی از شیعیان است، برگسترده‌ی این نوع رابطه

۱. کتاب سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم‌السلام، نوشته‌ی دکتر محمدرضا جباری، اطلاعات و تحلیل‌های سودمندی در این باره به دست می‌دهد. همچنین کتاب منابع مالی اهل‌بیت، نوشته‌ی نورالله علیدوست در این زمینه می‌تواند برای مراجعه سودمند باشد.

دلالت می‌کند. شیعیان بر اساس آیات و روایات، لازمهٔ بندگی و شرط قبولی عبادات خویش را پرداخت وجوهات شرعی مالی می‌دانند. چنان‌که محمد بن عیسی نامه‌ای به امام کاظم علیه‌السلام نوشت و دربارهٔ خمس سؤالی پرسید و از امام خواست مسئله را برایش توضیح دهد تا بر کار حرامی که مانع قبولی نماز و روزه است، باقی نماند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۴۵)

سوی دیگر مناسبات مالی، مراجعهٔ شیعیانی است که در وضعیت نابهنجار سیاسی و اجتماعی به سر می‌بردند و معمولاً زندگی را با مشکلات اقتصادی و به سختی می‌گذراندند. ایشان به ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام مراجعه می‌کردند و درخواست دعا یا طلب کمک برای برطرف شدن نیاز مالی خود داشتند. نمونه‌های زیادی از مراجعهٔ نیازمندان شیعه به امامان معصوم علیهم‌السلام و درخواست کمک از ایشان و رسیدگی ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام به آن‌ها وجود دارد که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم. این همه، از پیوند اقتصادی شیعیان با امامان معصوم علیهم‌السلام حکایت می‌کند.

ابوبصیر به امام صادق علیه‌السلام عرض حاجت کرد و خواست دعایی در طلب روزی به وی بیاموزند، حضرت دعایی به او تعلیم نمودند که می‌گوید: پس از خواندن آن، هرگز محتاج نشدم. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۵۰) عبدالله بن هلال به امام صادق علیه‌السلام شکایت برد که شیرازهٔ کارمان از هم گسیخته و دار و ندارمان از کف رفته است. حضرت او را به دعا و سجود سفارش کردند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۳۲۴)

مفضل بن قیس خدمت حضرت صادق علیه‌السلام رسید و از اوضاع خود و پریشانی روزگار شکایت کرد و تقاضای دعا نمود. حضرت به کنیز خود فرمودند: آن کیسه را، که ابوجعفر فرستاده است بیاور. حضرت کیسه را به مفضل دادند و فرمودند: در این کیسه، چهارصد دینار است؛ در احتیاج خود صرف کن. او عرض کرد: به خدا قسم، نظرم این نبود، تقاضای دعا داشتم. (کشی، ۱۳۴۸ ق، ص ۱۸۳) غفاری، یکی از یاران امام رضا علیه‌السلام، نیز به دنبال بدهی شخصی و اصرار طلبکار بر طلب خویش، برای رفع مشکلش به امام رضا علیه‌السلام مراجعه کرد و حضرت او را بی‌نیاز ساختند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۸۷)

ائمه علیهم‌السلام برای رفع مشکلات اقتصادی شیعیان در اندیشه بودند و به صورت مستقیم و غیر مستقیم، به برطرف کردن گرفتاری‌های اقتصادی شیعیان اقدام می‌کردند؛ چنان‌که ابوحنیفه سائق‌الحاج گفت: من و دامادم بر سر میراثی با هم مشاجره می‌کردیم. مفضل از کنار ما می‌گذشت. مدتی نزد ما ایستاد، سپس به ما فرمود: به منزل من بیایید. ما به منزل وی رفتیم با مبلغ چهارصد درهم بین ما صلح و آشتی برقرار کرد. آن چهارصد درهم را به ما پرداخت کرد تا ما از همدیگر مصالحه‌نامه‌ای گرفتیم. سپس مفضل گفت: اما - آنچه در اختیار شما گذاشتم - از مال من نبود؛ امام صادق علیه‌السلام به من دستور داده است اگر دو تن از شیعیان ما با هم در خصوص چیزی نزاع داشتند بین آن‌ها آشتی ایجاد کنم و از مال ایشان به آن‌ها عوض بدهم. این کمک از مال امام صادق علیه‌السلام است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۰۹ / طوسی، ۱۳۶۵، ش ۶، ج ۶، ص ۳۱۲)

#### ۴. مناسبات و روابط علمی

ارتباط شیعیان با امامان معصوم در بسیاری از جاها برای آموختن معارف دینی و کسب علم و دانش بوده است. در بینش شیعی، امام کسی است که در عقل، علم، ایمان و کردار، سرآمد همه خلق است و علم او همچون دانش پیامبران، برگرفته از علم خداست. شیعیان، ائمه علیهم‌السلام را داناترین مردم (کشی، ۱۳۴۸، ص ۲۷۳ / صدوق، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۱۲) نسبت به معارف و احکام شریعت، و مصالح و مفاسد امور و مرجع علمی و دینی مردم می‌دانند، به ایشان به عنوان وارث علوم انبیا (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۲۵۵ و ص ۲۶۱) و به‌ویژه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مبین و مفسر واقعی قرآن می‌نگردند، و آنان را متکفل حفظ دین از خطا و تحریف می‌دانند که این امر بدون علم و آگاهی کامل از دین ممکن نیست.

هشام بن حکم در توصیف امام گفت: امام، ما را از اوضاع آسمان (و زمین) خبر می‌دهد، و این میراثی است که از پدر و جدش به او رسیده است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۷۳) سدیر به نمایندگی از جمعی، مانند ابوبصیر، یحیی بزّاز و داود بن کثیر، که در مجلس امام صادق علیه‌السلام حضور داشتند، خطاب به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: ما معتقدیم که



شما علوم فراوانی دارید. (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱، ص ۲۵۷) این همه، بر اعتقاد شیعیان به علم الهی و لدنی ائمه علیهم السلام دلالت دارد.

شیعیان در تمامی مسائل دینی از امامان پیروی کرده، از میان احادیث، تنها حدیث آنان را حجت شمرده‌اند. البته ممکن بود که این برخورد تا زمانی که مباحث فقهی و فکری مسئله روز جامعه اسلامی شد- و این از اواخر قرن اول هجری بود- کاملاً خود را نشان نداده باشد، اما پیداست حرکتی که در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به این عنوان مطرح شد، بر پایه پیشینه خاص خود بوده است. (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۲۹)

به سبب اهمیت گستره روابط دانش‌آموزانه شیعیان، به اختصار، این بحث در سه محور بررسی می‌گردد:

#### الف. علم‌آموزی شیعیان از امامان معصوم علیهم السلام

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ و از بارزترین نشانه‌های رشد فرهنگی یک جامعه، توجه ویژه به مقوله آموزش و کسب دانش و معرفت است. دین اسلام همواره بر علم‌آموزی و تلاش برای کسب دانش تأکید داشته و پاداش بزرگی برای آن بیان کرده است.<sup>۱</sup> ائمه هدی علیهم السلام همواره در جهت‌دهی و ترغیب شیعیان به کسب دانش کوشیده‌اند. این تأکیدها در سخنان ائمه گسترده و پررنگ است، به حدی که مرحوم کلینی در جلد اول اصول کافی، در «کتاب فضل العلم» در ابواب متعددی سخنان ائمه علیهم السلام را درباره علم، عالم او انواع آن آورده است.

با توجه به شیوه تربیتی ائمه علیهم السلام در تشویق شیعیان به علم‌آموزی، شیعیان نسبت به این مسئله عنایت خاصی داشته‌اند و به دنبال استفاده از معادن علم الهی، یعنی امامان معصوم علیهم السلام، بوده‌اند.

---

۱. برای اهمیت و ضرورت تعلیم و تعلم در دین اسلام و مذهب تشیع ر.ک. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۶۲، باب ۱، «فرض العلم و وجوب طلبه و الحث علیه و ثواب العالم و المتعلم» / صفار قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۳ / مفید ج، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸.

شیعیان - باوجود خفقان سیاسی- از روش‌هایی برای کسب دانش از محضر امامان معصوم علیهم‌السلام بهره بردند که مهم‌ترین روش، حضور در منزل یا محل جلوس ائمه علیهم‌السلام در مسجد و نشستن پای سخنان آن حضرات و بهره بردن از علم ایشان بود.

جابر بن یزید جعفی پس از هجده سال خدمت و استفاده از محضر امام باقر علیه‌السلام، وقتی می‌خواست به کوفه برگردد، به امام عرض کرد: مرا بهره‌ای برسان. حضرت فرمودند: پس از هجده سال (باز هم برایت بگویم!) جابر گفت: آری. شما دریای خشک ناشدنی و ژرف و بی پایان هستید. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۶)

گاهی شخصی برای آموختن مسئله‌ای، مکرر خدمت امام می‌رسید؛ چنان‌که ابراهیم کرخی بیش از ده بار خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید تا مطلبی را که بیانش ناتمام مانده بود، کامل بیاموزد، و پس از آنکه در آن سال توفیق نیافت تا مطلب را کامل بیاموزد، سال آینده خدمت امام رسید و دنباله‌اش را از امام فرا گرفت. (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۳۴)

روایات بی‌شمار فقهی و احادیثی که متضمن پرسش‌ها و گفت‌وگوهای اعتقادی است، گواه بر مراجعات فراوان شیعیان به امامان معصوم علیهم‌السلام برای استفسار و آگاهی از احکام و معارف دینی و اطلاع از اجزا و شرایط عبادات است.

### ب. ثبت و ضبط آموخته‌ها

در مکتب اهل‌بیت، شیعیان در مقابله با جریان منع تدوین حدیث، نسبت به ثبت و ضبط احادیث معصومان علیهم‌السلام اهتمام ورزیدند و این اهتمام به واسطه تأکیدهای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام بر ثبت و ضبط احادیث و اندوخته‌های علمی بود که شیعیان را به نوشتن و حفظ آنچه می‌آموختند، ترغیب می‌کرد. از ائمه علیهم‌السلام کلماتی ارزشمند درباره کتابت حدیث نقل شده است:

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: بنویس و علمت را بین برادرانت منتشر کن. اگر از دنیا رفتی کتاب‌های تو را فرزندان به ارث خواهند برد. روزگاری خواهد آمد که اوضاع زمانه هرج و مرج خواهد بود که انیس و اتکایی جز کتاب برای مردم نخواهد ماند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۲)

شیعیان تحت تربیت علمی ائمه علیهم‌السلام و ترغیب ایشان به کتابت حدیث، به تدوین مجموعه‌های روایی، و تکثیر از طریق استنساخ و قرائت، روی آوردند. از آن‌رو که از اول کتابت حدیث در بین شیعه وجود داشت، از همان ابتدا تدوین فقه و حدیث نزد آنان آغاز شد و از این‌رو، در این باب پیش قدم بودند.

ابورافع مولی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از طبقه اول مؤلفان شیعه است و کتابی در سنن و احکام و قضایا دارد. علی فرزند ابورافع نیز کتاب داشت و از بهترین تابعان و بهترین افراد شیعه بود. او کتابی در باب وضو، نماز و سایر ابواب فقهی، جمع کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳) حجر بن عدی از صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت علی علیه‌السلام احادیث امام علی علیه‌السلام را بر صحیفه‌ای می‌نوشت و وقتی به مسئله‌ای نیاز داشت در آن نظر می‌کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۲۰)

بنابر گزارشی در طبقات ابن سعد، علباء بن احمر نقل می‌کند که علی بن ابی طالب علیه‌السلام بر منبر خطبه می‌خواندند و فرمودند: چه کسی علم را به یک درهم خریدار است؟ حارث بن اعور اوراقی به یک درهم خرید و نزد امام علی علیه‌السلام آورد و آن حضرت علوم فراوانی بر آن اوراق برایش نوشتند. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۰۹ / متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۱۵۶)

گزارش دیگری در اصول کافی (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۱، ص ۱۴۱) و توحید (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۱، باب «توحید و نفی التشبیه»، اول) از آن حکایت دارد که حارث خطبه‌ای از امام علی علیه‌السلام را، که خود یادداشت کرده بود، از روی نوشته خویش برای ابواسحاق سبعی نقل کرد.

اصبغ بن نباته گه‌گاه گفته‌های امام علی علیه‌السلام را یادداشت می‌کرد. (کوفی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۶۶) نجاشی، اصبغ را در شمار نخستین مؤلفان شیعی یاد می‌کند. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۸) جابر بن یزید جعفی، که از امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام روایت نقل کرده، یکی از معدود علمای متقدم حدیث بوده که آنچه را می‌شنیده به صورت مکتوب ثبت می‌کرده است، و کتب فراوانی، از جمله «کتاب تفسیر»، «الفضائل»، «نوادیر»، «صفین»، «مقتل الحسین»، برای او ذکر کرده‌اند. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲۸)

### ج. عرضه و تصحیح روایات و تألیفات نزد ائمه علیهم‌السلام

از دیگر رفتارهای علمی- فرهنگی شیعیان نسبت به ائمه علیهم‌السلام، عرضه کردن تألیفات و دستاوردهای علمی شیعیان و اصحاب ائمه علیهم‌السلام بر ایشان بود. زمینه این حرکت از جانب شیعیان، نفوذ جاعلان حدیث در بین راویان و ورود روایات ساختگی به کتاب‌ها و احادیثی بود که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل می‌شد. هدف از عرضه بر امام، آگاهی از نظر امام درباره صحّت یا بطلان احادیث منسوب به ائمه علیهم‌السلام و تأیید نوشته‌های حدیثی یا تصحیح آن‌ها بود. این شیوه، که در روایات، آن را «عرض الحدیث» می‌نامند، غیر از مقابله و نسخه‌خوانی است که در میان استاد و شاگرد رایج بوده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲۸)

عرضه روایات گاهی به صورت عرضه یک یا چند حدیث و گاهی عرضه یک کتاب و مجموعه مدون توسط اصحاب ائمه علیهم‌السلام بود. حمزه بن طیار برخی از خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام را - که شیعیان در اختیار داشتند- بر امام صادق علیه‌السلام عرضه کرد، تا اینکه به عبارتی از آن رسید. امام به وی فرمودند: بایست و ساکت باش! سپس فرمودند: در اموری که با آن مواجه می‌شوید و حکمش را نمی‌دانید وظیفه‌ای جز باز ایستادن و درنگ کردن و ارجاع دادن آن به ائمه هدی علیهم‌السلام ندارید تا ایشان شما را به اعتدال و حقیقت برسانند و گمراهی را از شما بردارند و حق را به شما بفهمانند. خدای تعالی فرموده است: «اگر نمی‌دانید از اهل ذکر (افراد آگاه) بپرسید (نحل: ۴۳)». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۰ / برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۱۶)

عبدالله بن علی بن ابی‌شعبه کوفی و ثقه، کتابی را که تصنیف کرده بود بر امام صادق علیه‌السلام برای تصحیح عرضه کرد. امام علیه‌السلام پس از تصحیح و تأیید آن فرمودند: «اُتری لهؤلاء مثل هذا»؛ یعنی آیا برای اینان - اهل سنت - مانند این کتاب هست؟ (نحل: ۴۳)

یونس بن عبدالرحمان که از اصحاب قابل وثوق امام کاظم علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام بود، نقل کرده است:

به کوفه سفر کردم و در آن شهر، تعداد زیادی از اصحاب و شاگردان امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام را دیدم که از آن دو بزرگوار احادیث فراوانی را نقل می‌کردند هر چه را از

آن‌ها شنیدم، نوشتم، تا اینکه روزی به حضور امام رضا علیه‌السلام رسیدم و آن احادیث را به ایشان عرضه کردم. آن حضرت احادیث مذکور را خواندند و ناراحت شدند، تا آنکه به من فرمودند: ای یونس! بسیاری از این‌ها احادیث و سخنان امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام نیست و آن‌ها را ساخته و به ایشان نسبت داده‌اند. با توجه به اینکه در اثر دخالت مردمان جاهل و اشخاص منفعت‌طلب و متعصب، حق و باطل با هم درآمیخته، احادیث ما را به قرآن و سنت قطعی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرضه کنید و هر چه را با آن‌ها موافق بود، برگزید و آنچه مخالف بود، دور بریزید. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۲۲۴)

همین یونس بن عبدالرحمان کتابی به نام *یوم و لیل* داشت که در دست شیعیان بود، جعفری آن را بر امام هادی علیه‌السلام عرضه نمود. حضرت آن را مطالعه کردند و تأیید نمودند. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۴۸۴)<sup>۱</sup>

سهل بن یعقوب، ملقب به «ابونواس» نوشته‌ای تحت عنوان *اختیار الایام - یا اختیارات الایام* (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۷) به روایت سلیمان دیلمی از حضرت صادق علیه‌السلام در اختیار داشت که آن را بر امام هادی علیه‌السلام عرضه و تصحیح کرد. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷۶)

## ۵. دیگر مناسبات و روابط

شیعیان در سایر مسائل اجتماعی نیز با ائمه علیهم‌السلام در ارتباط و رفت و آمد بودند؛ از جمله: مراجعه برای حل و فصل مشکلات اجتماعی و اقتصادی، تقاضای کمک، درخواست مشورت درباره مسائل گوناگون ازدواج، مشکلات خانوادگی، معامله و مسافرت. و همه این‌ها نشان از آن دارد که شیعیان پناهی جز امامان معصوم علیهم‌السلام نداشتند و امام زمان خویش را مرجع امور و پناهگاه خود به هنگام گرفتاری‌ها و مشکلات می‌دانستند. در خصوص برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

---

۱. در همان‌جا، در گزارشی دیگر، شبیه چنین رفتاری نیز از امام جواد علیه‌السلام نسبت به کتاب *یوم و لیل* یونس بن عبدالرحمان ذکر شده است.

## الف. مشورت با امام

با توجه به تأکید آیات و روایات<sup>۱</sup> بر مشورت و کمک گرفتن از عقل جمعی و چون شیعیان ائمه علیهم‌السلام را دارای علم کامل و رأی صائب می‌دانستند، در انجام امور مهم و انتخاب راه صحیح، به امامان علیهم‌السلام مراجعه می‌کردند و با ایشان مشورت می‌نمودند و از نظرات دقیق و جامع ایشان در تصمیم‌گیری‌ها بهره می‌بردند. ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز عملاً شیعیان را به مشورت در انجام کارها و مسائل مهم ترغیب می‌کردند.

فضیل می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام یک بار درباره مسئله‌ای از من مشورت خواست. گفتم: خداوند به شما خیر دهد! آیا کسی همچون من به شما مشورت دهد؟ فرمودند: آری، در آن هنگام که از تو طلب مشورت کنم. (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۶۰۱)

گاهی شیعیان در جاهایی که پس از مشورت با دیگران باز هم دچار سرگردانی بودند و نمی‌دانستند چه کنند، برای به دست آوردن راه حل نهایی، به امام مراجعه می‌کردند تا سخن و نظر امام فصل‌الخطاب و پایان تردیدشان باشد؛ چنان‌که عبدالرحمان بن سیابه، که با کالای تجاری به مکه آمده بود و کارش به کساد کشیده شده بود، پس از آنکه با رفقایش مشورت کرد و به نتیجه‌ای نرسید، نزد امام کاظم علیه‌السلام آمد که هر چه حضرت بفرماید، عمل کند. (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۵ / مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۸، ص ۲۲۶)

۱. مشاوره ازدواج و خانواده: گاهی برای مشاوره ازدواج، اینکه با چه کسی ازدواج کنند و چه ملاک‌هایی را مدنظر داشته باشند یا مثلاً کسی می‌خواست دخترش را به عقد مردی در بیاورد، خدمت امام می‌رسیدند و از ایشان راهنمایی و مشورت می‌خواستند.

ابن ابی‌یعفور خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید و عرض کرد: می‌خواهم با خانمی ازدواج کنم، اما پدر و مادرم دختر دیگری را پیشنهاد می‌کنند؛ چه کنم؟ حضرت فرمودند: با دختری که خودت به او علاقه داری ازدواج کن. (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۵، ص ۴۰۱)

۱. علامه مجلسی در *بحار الانوار* (۱۴۰۴ق، ج ۷۲) بابی با عنوان «المشورة و قبولها و من ینبغی استشارته و...» و شیخ حرّ عاملی در *وسائل الشیعه* (۱۴۰۹ق، ج ۱۲، صص ۳۹ تا ۴۸) نیز چند باب به ذکر روایات مشورت اختصاص داده است.

حسین بن بشار به حضرت رضا علیه‌السلام نامه‌ای نوشت که یکی از بستگانم درخواست وصلت با من دارد، ولی بد اخلاق است. حضرت در جواب فرمودند: اگر اخلاقش بد است با او ازدواج نکن. (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۵، ص ۵۶۳)

عبدالرحمان درباره ازدواج دخترش با برادرزاده‌اش، با امام موسی بن جعفر علیه‌السلام مشورت کرد. همچنین خالد بن داود با آن حضرت درباره ازدواج دخترش با علی بن جعفر مشورت کرد و حضرت ایشان را به انجام این کار در صورت رضایت دختر توصیه کردند. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۷۹ / حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۲۸۴) حسن بن ظریف، که پس از مشورت با امام حسن عسکری علیه‌السلام از ازدواج موقت با زنی ناپاک خودداری کرد و شنید شخص دیگری آن زن را متعه خویش کرده و سبب بدنامی و گرفتاری او شده است، خدا را شکر می‌کرد و می‌گفت: خداوند به برکت مولایم ابومحمّد- و راهنمایی آن حضرت- مرا از شرّ او حفظ کرد. (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۴۲۳ / مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۰، ص ۲۹۱)

شیعیان امام را محرم اسرار خویش می‌دانستند و مسائل خانوادگی و خصوصی خویش را نیز با امام، به عنوان یک مشاور کاردان در میان می‌گذاشتند تا از نظر ایشان بهره‌مند شوند و به راه حلی برای به دست آوردن زندگی بهتر برسند.

خطاب بن سلمه خدمت امام کاظم علیه‌السلام شرفیاب شد و از بدخلقی همسرش گلایه و درخواست راهنمایی کرد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۵)

بکر بن صالح به امام کاظم علیه‌السلام نامه نوشت که پنج سال به خاطر اینکه همسرم موافق نبود، از فرزنددار شدن خودداری کردیم؛ همسرم می‌گفت: با ناداری و مشکلات اقتصادی تربیت فرزندان مشکل است. خواستم نظر شما را بدانم. حضرت در پاسخ او نوشتند: فرزند بیاورید. خداوند روزی آن‌ها را می‌رساند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳)

عبدالله کاهلی، که درباره مسئله‌ای با همسرش اختلاف پیدا کرده بود، با موسی بن جعفر علیه‌السلام مشورت کرد و حضرت او را به راه درست رهنمون ساختند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۱۷ / صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۱۷۸)

۲. مشاوره جهت کسب و کار: گاهی نیز مراجعه برخی شیعیان به ائمه اطهار علیهم‌السلام برای مشورت و درخواست راهنمایی در زمینه کسب و کار و به دست آوردن روزی حلال بوده؛ مثلاً، شخصی که می‌خواست تجارت کند، نزد امام می‌آمد و از ایشان نظرخواهی و طلب نصیحت و راهنمایی می‌کرد.

احمد بن محمد گوید: یکی از دوستان ما می‌خواست برای تجارت به مسافرت برود. گفت: از شهر بیرون نمی‌روم تا خدمت جعفر بن محمد علیه‌السلام برسم و ایشان را ملاقات کنم و درباره کارم با ایشان مشورت نموده، درخواست دعا کنم. سپس نزد آن حضرت رفت و حضرت او را راهنمایی و برایش دعا کردند. (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶۰ / حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۸۵)

اربلی روایت کرده است که ابوبکر گفت: یکی از دوستانم به من پیشنهاد داد با او در خرید و فروش میوه از نقاط گوناگون شریک شوم. من نامه‌ای به امام حسن عسکری علیه‌السلام نوشتم و از ایشان در این باره نظرخواهی کردم. حضرت مرا از این کار نهی کردند. دوستم به تنهایی به این کار اقدام کرد و سرمایه‌اش از بین رفت و خدا به برکت امام علیه‌السلام و راهنمایی ایشان، مرا از این بلیه حفظ نمود. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۲۳)

#### ب. دادخواهی از امامان معصوم علیهم‌السلام

شیعیان، که اقلیت مذهبی جامعه آن‌روز را شکل می‌دادند، در وضعیت نامطلوب و تحریم تحمیل شده از جانب حکومت اموی و عباسی به سر می‌بردند و با مشکلات زیادی مواجه بودند. همچنین نمی‌خواستند برای رفع مشکلات و منازعات خویش، به عوامل حکومت مراجعه کنند به همین سبب، مکرر وقتی با مشکلات اجتماعی و سیاسی مواجه می‌شدند، خدمت ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌رسیدند و از ایشان درخواست کمک می‌کردند.

۱. اربلی مشخص نکرده که مراد از «ابوبکر» در اینجا کیست؟ اما از متن روایت برمی‌آید: یکی از شیعیان آن حضرت بوده است.



ابوبصیر از فشارهای روحی که توسط مخالفان بر شیعیان وارد شده بود، نزد امام صادق علیه‌السلام گلایه کرد و گفت: قربانت گردم! به ما لقبی سرزنش کننده داده‌اند - لقب «رافضی» - که پشت ما را شکسته و از آن دل ما مرده و والیان و فرمانداران به سبب آن، خون ما را روا شمرده‌اند.

همچنین ابوهاشم جعفری، که مدتی در زندان به سر می‌برد، از سختی و مشکلات زندان به امام حسن عسکری علیه‌السلام شکایت کرد. حضرت نامه‌ای به او نوشتند و بشارت آزادی دادند و فرمودند: نماز ظهر را امروز در منزلت خواهی خواند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۰۸)

عثمان بن عبدالله به امام صادق علیه‌السلام از گروهی که خانه او را در احسب تصرف کرده بودند و همسایگانی ناصبی داشت، شکایت برد و یاری خواست. (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۰) همچنین عمر بن ابی مسلم، که از دست همسایه‌اش سمیع مسمعی پیوسته ناراحتی می‌کشید، نامه‌ای خدمت امام حسن عسکری علیه‌السلام نوشت و از ایشان تقاضای دعا کرد. (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۲۲)

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۲۹) و شیخ مفید در الارشاد (مفید ب، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۳۲ / طبری، بی تا، ص ۱۵۰) به سند خود، از محمد بن عبدالله بکری روایت می‌کنند که گفت: به مدینه آمدم تا طلب خود را بگیرم، اما بدهکار مرا خسته و درمانده کرد. به خود گفتم: خدمت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌روم و نزد آن حضرت از این موضوع شکایت می‌کنم. پس به کشتزار آن حضرت رفتم. ایشان از حاجت من پرسش کرد و من نیز ماجرا را برای آن حضرت باز گفتم حضرت سیصد دینار به من دادند.

همچنین شیعیانی که در شهرهای دور زندگی می‌کردند، وقتی به مشکلی در زندگی بر می‌خوردند و گره‌ای در کارشان می‌افتاد که چاره‌ای در حل آن نمی‌یافتند، خدمت امام عصر خویش می‌رسیدند و از ایشان استمداد می‌جستند، یا از طریق نامه مشکل خود را با امام در میان می‌گذاشتند.

مردی سیستانی، که از بنی‌حنیفه به شمار می‌رفت، در سال اول خلافت معتمد، همراه امام جواد علیه السلام به حج مشرف شد. یک بار به حضرت عرض کرد: آقا، فدایتان شوم! فرماندار شهر ما ولایت و محبت شما خانواده را دارد. من در دفتر مالیاتی او، مقداری مقروضم. اگر صلاح می‌دانید نامه‌ای بنویسید که به من کمک کند. فرمودند: او را نمی‌شناسم. عرض کرد: همان طور که توضیح دادم، او از ارادتمندان به شما اهل بیت علیهم السلام است نامه شما برای من سودمند است. حضرت کاغذی به دست گرفتند و چنین نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. آوردنده نامه برای من نقل کرد که دارای مذهبی پسندیده هستی. بدان، آنقدر از این مأموریت برایت بهره خواهد بود که به مردم نیکی کنی. نسبت به برادران خود نیکوکار باش. بدان که خدای عزیز از تو بازخواست خواهد کرد، حتی از یک ذره کوچک و دانه سپنج.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۱۱)

وی گفت: وارد سیستان که شدم، حسین بن عبدالله نیشابوری، که والی و فرماندار بود، قبلاً از جریان نامه اطلاع حاصل پیدا بود؛ به استقبال من آمد. نامه را به او دادم، بوسید و روی چشم گذاشت و گفت: چه حاجتی داری؟ گفتم: مالیاتی دارم که در دفتر تو مبلغ آن یادداشت شده است دستور داد آن را از بین ببرند، و گفت: تا وقتی من فرماندار باشم، مالیات از تو نخواهم گرفت. بعد پرسید: چه تعداد زن و فرزند داری؟ تعداد آنها را گفتم. مقداری که مخارج من و آنها را تأمین می‌کرد به اضافهٔ مبالغ دیگری به من بخشید.

همچنین دیلمی نمونهٔ مشابهی در *اعلام‌الدین* از حسن بن علی بن یقظین از پدرش و او از جدش، نقل کرده است که مشکل بدهی مالیاتی وی با نامهٔ امام صادق علیه السلام به فرماندار اهواز مرتفع گردید. (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۸۹ ابن مهند حلّی، ۱۴۰۷، ص ۱۹۳)

### ج. مراجعه برای مداوا و طبابت

شیعیان که ائمه علیهم السلام را برخوردار از علوم فراوان، از جمله آگاه به مسائل پزشکی و طبابت گیاهی می‌دانستند، وقتی گرفتار رنج بیماری می‌شدند یا به بیماری صعب‌العلاج یا طولانی مدت مبتلی می‌گردیدند، جهت درمان و مداوا به ائمه علیهم السلام مراجعه می‌کردند و از ایشان دعا و نسخه برای درمان می‌خواستند.

البته این بدان معنا نیست که شیعیان خود را از مراجعه به پزشکان عصر خویش بی‌نیاز می‌دانستند و به آن‌ها مراجعه نمی‌کردند و یا همیشه به هنگام بیماری برای مداوا خدمت ائمه علیهم السلام می‌رسیدند. خود ائمه علیهم السلام هم گاهی برای معالجه به پزشک مراجعه می‌کردند. بلکه به مثابه قضیهٔ موجبهٔ جزئیه، گاهی شیعیان از این طریق، در درمان بیماری‌های خویش سود می‌جستند.

تألیف کتاب‌هایی در زمینهٔ طب<sup>۱</sup> توسط اصحاب و شاگردان ائمهٔ معصوم علیهم السلام، که معمولاً به جمع‌آوری روایات پزشکی از ائمه علیهم السلام پرداخته‌اند، بیانگر برقراری این نوع رابطه بین شیعیان و ائمه علیهم السلام است. طب الرضا علیه السلام<sup>۲</sup> و طب الائمه<sup>۳</sup> نمونه‌های موجود از این دست تألیفات است.

گاهی شیعیان از رنج بیماری‌ها نزد ائمه علیهم السلام شکوه می‌کردند، و ائمه علیهم السلام برای ایشان دعا می‌کردند و تعویذی به آن‌ها تعلیم می‌کردند و از این طریق شفا می‌گرفتند، یا با دادن نسخه و دستورالعمل پزشکی به درمان آن‌ها می‌پرداختند. مردی شیعی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و گفت: یابن رسول‌الله، دخترم مدت زیادی است که بیمار است و بدنش خیلی ضعیف و لاغر شده است. سپس از حضرت درخواست کمک کرد. (ابنا بسطام، ۱۴۱۱ق، ص ۹۹).

اسماعیل بن ابراهیم نزد امام رضا علیه السلام از لکنت و گرفتگی زبان پسرش سخن گفت و از امام اجازه خواست که او را برای دعا و شفا گرفتن نزد آن حضرت بیاورد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۲۱)

۱. اسامی برخی اصحاب ائمه علیهم السلام، که دارای کتاب‌های طبّی بوده‌اند عبارت است از: حسن بن علی بن فضال (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۲۳)، عبدالله بن جعفر حمیری (همان، ص ۲۹۴)، اسماعیل بن شعیب عریشی (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۱)، احمد بن محمد بن خالد برقی (همان، ص ۷۷)

۲. *الرساله الذهبیه* منسوب به امام رضا علیه السلام، که به *طب الرضا* مشهور است و حضرت آن را به درخواست مأمون نوشته‌اند. (آقا بزرگ، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۳۸)

۳. کتابی است از ابو عبدالله حسین و ابو عتاب عبدالله، پسران بسطام بن سابور زیات، مشتمل بر روایات پزشکی و تعویذاتی از امام صادق علیه السلام. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۹)

محمد بن حسن، که از درد چشم خیلی ناراحت بود، نامه‌ای برای امام حسن عسکری علیه السلام نوشت و تقاضای دعا کرد. پس از فرستادن نامه، با خود گفت: کاش تقاضا می‌کردم دارویی برای چشمم تجویز کنند تا با آن سرمه بکشم. وی می‌گوید: جواب نامه‌ام به خط شریف خود آن حضرت آمد که برایم دعا کرده بودند و برای سلامتی چشمم، سرمه‌ای از صبر زرد با کافور و توتیا تجویز کردند که آنرا به کار بردم و - شکر خدا - خوب شدم. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۵۳۳ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۳۵)

### نتیجه

دستاورد ارزیابی رفتارهای اجتماعی شیعیان در تعامل با امامان معصوم علیهم السلام این است که در نحوه برخورد و تعامل با امامان معصوم علیهم السلام دقت ویژه‌ای داشتند و به آداب خاصی پایبند بوده‌اند این موضوع هم به نوع نگرش و اعتقادشان نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام بر می‌گردد.

این باور شیعیان، که امامان معصوم را افرادی برتر و دست‌یافته به قله کمالات معنوی می‌دانسته‌اند و ایشان را خلیفه خدا در زمین و جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله شمرده‌اند، سبب شده است تا عظمت ایشان در دل شیعیان نفوذ کند و آن‌ها را به تواضع و داشتن رفتاری متفاوت و سنجیده در مقابل آن ذوات نوارانی سوق دهد.

شیعیان همیشه با برقراری پیوند معنوی، عاطفی، علمی، اقتصادی و اجتماعی با امامان معصوم علیهم السلام در حوزه‌های گوناگون، بهره‌های فراوان مادی و معنوی از ایشان می‌برده‌اند. اساس رفتار شیعیان نسبت به ائمه هدی علیهم السلام مبتنی بر باور و نگرش دینی و اجتماعی آن‌ها نسبت به جایگاه اجتماعی ائمه علیهم السلام و غالباً بر پایه تکریم امامان معصوم علیهم السلام بوده است. شیعیان از رهنمودها و نصایح ایشان در زندگی فردی و اجتماعی خویش سود جستند. بسیاری از مشکلات شیعیان از طریق همین ارتباط با ائمه علیهم السلام برطرف شده و نابسامانی‌هایشان بهبود یافته است.

بروز برخی رفتارهای نامتعارف و نامناسب از برخی شیعیان در تعامل با امامان معصوم، از یک سو به سبب یکسان نبودن میزان معرفت و ادراک همه شیعیان نسبت به مقام ائمه اطهار علیهم‌السلام و شفاف نبودن برخی مبانی اعتقادی در باب امامت همچون مسئله «عصمت» و «میزان برخوردارگی ائمه علیهم‌السلام از علم و قدرت الهی» برای همه شیعیان است، و از سوی دیگر، همیشه و در همه جوامع مذهبی، برخی افراد به علل گوناگون، از جمله، نادانی، غفلت، گرفتاری به گناه، عدم خودسازی، و دور افتادن از اصول اعتقادی خویش، بر خلاف اعتقاد و باورهای دینی خویش، رفتار می‌کنند.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن حنبل، احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
۲. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۰/۱۴۱۰.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، قم، علامه، ۱۳۷۸ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، فتح الابواب، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف، مرتضوی، ۱۳۵۶ق.
۶. ابنا بسطام، عبدالله و حسین نیشابوری، طب الاثمه، قم، شریف رضی، ۱۴۱۱ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۸. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۹. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، تحقیق غلامرضا عرفانیان، بی‌جا، بی‌تا، ۱۴۰۲ق.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۱۱. جباری، محمد رضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم‌السلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
۱۲. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران تا طلوع دولت صفوی، قم، انصاریان، ۱۳۸۵.
۱۳. جوهری، احمد بن محمد، بی‌تا، مقتضب الاثر فی النص علی الاثمة الاثنی عشر، قم، مکتبه طباطبائی.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۵. حلّی بن فهد، احمد بن محمد، عدّة الداعی، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۶. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، کتاب‌خانه نینوی، بی‌تا.
۱۷. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
۱۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.

۱۹. دیلمی، حسن ابن ابی الحسن، اعلام الدین، قم، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۸ق.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الامالی، چ ششم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۲۱. \_\_\_\_\_، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ش.
۲۲. \_\_\_\_\_، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، چ دوم، قم، دارالرضی، ۱۴۰۶ق.
۲۳. \_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا علیه السلام، قم، جهان، ۱۳۸۷ق.
۲۴. \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۲۵. \_\_\_\_\_، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۲۶. صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، قم، دار الذخائر، بی‌تا.
۲۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالتقافه، ۱۴۱۴ق.
۳۰. \_\_\_\_\_، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۱. \_\_\_\_\_، فهرست، عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه طباطبائی، ۱۴۲۰ق.
۳۲. \_\_\_\_\_، مصباح المتجهد، بیروت، مؤسسه فقه شیعه، ۱۴۱۱ق.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق رسولی محلاتی، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۰ش.
۳۴. قطب‌الدین راوندی، سعید بن عبدالله، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.
۳۵. کراجکی، ابوالفتوح، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
۳۶. کشی، محمد بن عمر، رجال، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۸. کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، قم، مجمع احیاء فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۲ق.
۳۹. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۴۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، چ سوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۲۳ق.

٤٢. \_\_\_\_\_، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، چ دوم، قم، دارالهجره، ١٤٠٩ق.
٤٣. مشخصات نشر طبقه پنجم، سلمی محمد بن صامل، الطائف، مکتبه الصديق، بيروت.
٤٤. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الف، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
٤٥. \_\_\_\_\_، ب، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
٤٦. \_\_\_\_\_، ج، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
٤٧. \_\_\_\_\_، د، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
٤٨. \_\_\_\_\_، ه، الحکایات فی مخالقات المعتزله من العدلیه، قم، کنگره شیخ مفید، ١٤١٣ق.
٤٩. منقری، نصر بن مزاحم، وقعه صفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، چ دوم، قاهره، مؤسسه العربیه، ١٣٨٢.
٥٠. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٧ق.
٥١. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.